

آثار سینمای ایران ساخته شده است. بدیهی است که محدودیت بودجه، فرصت اجرای بسیاری از تمهیدات را از فیلمساز می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد تمام مشکلات «پیتوک» را نمی‌توان با تکیه بر محدودیت بودجه توجیه کرد. فیلم در پرورش بسیاری از روابط ناموفق عمل می‌کند. ابهامی که در مورد شخصیت اصلی ایجاد می‌شود، ناخواسته به نظر رسیده و بنابراین آزاردهنده می‌شود. او قرار است یک ضدقهرمان زخمی نمایانده شود اما برخی از رفتارهای او (از جمله برخوردش با دختری که صادقانه به او علاقه دارد) غیرمنصفانه به نظر می‌رسد و او را حتی گاه شخصیتی غیرموجه جلوه می‌دهد. شخصیت‌های دیگر هم گاه همین قدر غیرموجه به نظر می‌رسند. حتی پسر بچه حاضر در ماجرا هم در برخی از موارد رفتارهای عجیبی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که (شاید به دلیل همان بحث محدودیت بودجه) تدوینگر «پیتوک» (کاوه ایمانی) نماهای مناسبی در اختیار نداشته. وجود برخی از نماها در فیلم تسوی ذوق می‌زنند. به عنوان مثال در سکانس زدو خورد نهایی، برخی از نماها آن قدر تصنعی هستند که آدم متعجب می‌شود. می‌توان به انتخاب اشتباه برخی دیالوگ‌های نمایشی فیلمنامه به درستی در دهان آن‌ها نمی‌چرخد.

از این گذشته، «پیتوک» در نسخه فعلی بیش از آن که یک نوار ایرانی به نظر برسد، فیلم کهنه‌ای است که انگار سی سال قبل ساخته شده و امروز به نمایش درآمده است. بحث به مضمون کار مربوط نیست (اتفاقاً بحث تلاش یک قهرمان برای پشت پا زدن به مسیر گذشته و تغییر طبقه اقتصادی، بحثی است که می‌توان همین امروز هم در موردش صحبت کرد) بلکه به شکل گسترش داستان و اجرای کار برمی‌گردد که «پیتوک» را بیشتر به دسته‌ای از فیلم‌های نوستالژیک اما تاریخ مصرف گذشته اوایل دهه ۷۰ شبیه کرده است.

### «روز ششم» (حجت قاسم زاده اصل) فرار از قواعد روزمره

امیدواری‌ها؛ به‌طور کلی، این نکته که یک فیلم چقدر وام‌دار قواعد دنیای روزمره است به‌خودی‌خود نه نکته مثبت محسوب می‌شود و نه نقطه ضعف. نکته کلیدی این است که فیلم در همان دنیایی که تعریف کرده، تا چه حد یکپارچه و تأثیرگذار عمل



مشخص است که «پیتوک» با بودجه‌ای محدود و غیر قابل مقایسه با اکثر آثار سینمای ایران ساخته شده است. بدیهی است که محدودیت بودجه، فرصت اجرای بسیاری از تمهیدات را از فیلمساز می‌گیرد. اما مشکلات «پیتوک» را نمی‌توان با تکیه بر محدودیت بودجه توجیه کرد

از آن‌ها (نقل به مضمون) چنین بود: «فرض کنید من نویسنده بسیار توانایی باشم که بتوانم یک فیلمنامه درجه یک در قالب یک ژانر مشخص (مثلاً ترسناک) بسازم. کدام کارگردان ایرانی تجربه مناسبی برای ساخت چنین فیلمی دارد؟» واقعیت این است که داشتن یک سنسنت ژانری و تجربه‌ای برای ساخت فیلم‌هایی در قالب‌های مشخص، یکی دیگر از مواردی است که ساخت فیلم بر اساس الگوهای ژانری را سخت می‌کند.

در چنین شرایطی، فیلمنامه‌نویسان «پیتوک» با تلاش برای خلق یک نوار ایرانی ریسک کرده‌اند. «پیتوک» قرار است فیلمی در مورد جهانی پر از بی‌رحمی و خشونت است باشد که در آن آدمی که می‌خواهد دوباره به دل جامعه برگردد باید با تمام این بی‌معرفتی‌ها مواجه شده و کوچک‌ترین ذرات لطف و مرام را روی هوا بزند. با در نظر گرفتن فضای تکراری بسیاری از فیلم‌های ایرانی، این که «پیتوک» حال و هوایی شبیه دیگر فیلم‌های این سال‌ها ندارد را می‌توان از نکات مثبت آن در نظر گرفت. فیلمنامه‌نویسان «پیتوک» (امیررضا نوری پرتو و صادق خوشحال) بسیاری از عناصر آثار نوار را وام گرفته‌اند و حتی در شیوه دیالوگ‌نویسی هم سعی کرده‌اند سبک دیالوگ‌های پینگ‌پونگی سینمای کلاسیک آمریکا را زنده کنند.

نتیجه: مشخص است که «پیتوک» با بودجه‌ای محدود و غیر قابل مقایسه با اکثر

فیلم متوجه شویم که درک تی‌تی از زندگی آگاهانه‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد. اما اگر «تی‌تی» به فیلم آزاردهنده‌ای مثل اکثر نمونه‌های پیشین تبدیل نمی‌شود، به همین خاطر است که خود تی‌تی را هم نیازمند آموزش می‌بیند. هر دو شخصیت اصلی درس‌هایی از یکدیگر می‌گیرند و همین است که رابطه آن‌ها را دلنشین و دلپذیر می‌کند. در این راه، توانایی‌های اجرایی پناهنده هم به کمک فیلم آمده است. پناهنده از همان اولین فیلمش نشان داد که می‌تواند به شکلی دراماتیک از فضای شمال کشور استفاده کند؛ قابلیتی که در «تی‌تی» هم به چشم می‌خورد. نماهای فیلم قرار نیست فقط قشنگ باشند بلکه ما را به شخصیت‌ها (در درجه اول به ذات پاک و دست‌نخورده خود تی‌تی) نزدیک می‌کنند. شاید در دقایقی تعادل فیلم خدشه‌دار شود (مثلاً برخی از رفتارهای شخصیت‌ها را، با توجه به شناخت کلی‌مان از آن‌ها، مقداری افراطی بباییم) اما این تعادل هیچ‌گاه به‌تمامی از بین نمی‌رود و همین، «تی‌تی» را به فیلم قابل احترامی بدل می‌سازد.

### «پیتوک» (سید مجید صالحی) نوآر به سبک ایرانی

امیدواری‌ها؛ رفتن به سراغ الگوهای ژانری در سینمایی که اساساً بر اساس ژانر شکل نگرفته و پیش‌ترفته، کار پرخطری به نظر می‌رسد. برای تولید یک اثر ژانری خوب، فقط تماشاگر فیلم‌های پر تعداد متعلق به آن گونه کفایت نمی‌کند بلکه در راه تولید اثر هم باید امکانات مناسب وجود داشته باشد. به عنوان مثال ژانر ترسناک عموماً به‌عنوان یک ژانر ارزان قیمت شناخته می‌شود اما یکی از دلایل این ارزان قیمت بودن، وجود امکانات اولیه‌ای است که خیلی از آن‌ها، لاقل در مقیاس حرفه‌ای، ممکن است در سینمای ایران به‌سختی پیدا شود. چنین مسائلی، حتی می‌توانند ساخت فیلم‌های ساده مبتنی بر الگوهای ژانری را هم به‌پروژه‌هایی طاقت‌فرسا تبدیل کنند.

بحث دیگر، به تجربه افراد بازمی‌گردد. زمانی با یکی از فیلمنامه‌نویسان کشورمان صحبت می‌کردم، او در پاسخ به سؤالی در مورد دلایل فقر فیلم‌های ژانری در سینمای ایران به عوامل متعددی اشاره کرد که یکی